



پښتونستان د علومو، انساني او مطالعاتو فریښکي
پرتال جامع علوم انساني

خاطرات



* در محضر آیت الله طباطبائی (سلطانی)

رتال جامع علوم انسانی

در جریان فاجعه رحلت یادگار امام حجة الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی فرصتی پیش آمد که ساعتی در محضر آیت الله طباطبائی - مشهور به سلطانی - توفیق یابم. هر چند انگیزه اصلی این دیدار ادای وظیفه و عرض تسلیتی بود و به این بهانه، تجدید عهدی با استادی گرانقدر که یادآور خاطره های شیرین و فراموش نشدنی تلمذ کفایه در حضور ایشان است. همه کسانی که کفایة الاصول را در محضر این استاد بزرگوار تلمذ کرده اند با ما در این تأسف هم احساسند که چرا یک دوره مباحث ایشان ضبط نشده است تا به عنوان میراثی ارزشمند برای نسلهای آینده به یادگار بماند.

به هر حال در این دیدار خاطرات ارزشمندی از آن استاد بزرگوار شنیدم که محرومیت یاد آشنایان را از آن دریغ دارم.



شوق هجرت:

فصل اول این خاطرات، اولین سفر به قم است که انگیزه آن شنیدن خبر تأسیس حوزه و وصف آن، شوق این هجرت را چنان دامن می‌زند که بی‌درنگ در تابستان ۱۳۰۸ هجری شمسی بار سفر می‌بندد، بی توجه به گرمای سوزان تابستان قم و تعطیلی حوزه در آن فصل.

اولین شب:

در اولین شب اقامت در قم - با راهنمایی روحانی‌یی که با او همسفر بوده است - میهمان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد علی طالقانی می‌شوند و سپس با مرحوم آیت الله حاج سید هبة الله گلپایگانی - تولیت مدرسه فیضیه در آن ایام - آشنا می‌شوند که نخست به او می‌گوید: آقازاده، حالا چرا به قم آمده‌اید؟ برای شما که در هوای لطیف بروجرذ زندگی مرفهی داشته‌اید، تابستان قم قابل تحمل نیست. تشریف ببرید و بعد از تابستان مراجعت کنید.

شوق تحصیل در حوزه قم و بیم از پیش آمد موانع احتمالی، مانع تأثیر نصیحت‌هایی از این دست می‌شود، با تصمیم جدی به اقامت در قم و صبر و انتظار شروع سال تحصیلی.

اولین نیاز طلبه و دانشجو مسکن است. در آن ایام داوطلب‌های تحصیل علوم دینی در زمینه این نیاز اساسی سخت در تنگنا بوده‌اند. مرحوم حاج سید هبة الله گلپایگانی کلید حجره‌ای را در اختیار طلبه جدید ال‌رود آن روز - که استاد عالیقدر و کم مانند فرداست - قرار می‌دهد. گشودن در همان و وحشت از اقامت در آن حجره تنگ و تاریک و سیاه همان! به هر حال کلید حجره دیگری به او داده می‌شود که هم حجره‌هایش پس از تابستان خواهند آمد. بخت با او یار می‌شود، یکی از دو هم حجره مشرف به نجف می‌شود و دیگری که عیالی انقطاعی دارد از بیتوته در حجره بی‌نیاز است و تنهاگاهی روزها از آن حجره استفاده می‌کند. سرنوشت چنین بود که استاد گرانقدر ما با بیت مرحوم آیت الله صدر و صلّت کند، شخصیتی بزرگ که نقش مؤثری در حوزه دارد، به ویژه در امور اداری و ارتباط با مراکزی که به هر حال در پاره‌ای امور حوزه - از قبیل مسأله معافیت طلاب - بیش و کم دخالت‌هایی داشته‌اند و در آن زمینه نیز خاطراتی را از ایشان می‌شنویم:

چند سالی که از تأسیس حوزه گذشت و قم رونق روز افزونی پیدا کرده بود، تحولاتی پیش آمد که شماری از طلاب، حوزه را ترک کردند، گروهی جذب منصب قضاوت شدند و



برخی از امتیاز دفاتر اسناد بهره بردند^(۱) در این میان وزیر فرهنگ وقت، معافیت طلاب را لغو کرد. گفتنی است که معافیت طلاب همواره دستخوش نوسانات بوده است که هراز گاهی در این زمینه حوزه زیر فشارهایی قرار می‌گرفته است. از جمله در موردی - که در همین خاطرات به آن اشاره شده است - سختگیریهایی در زمینه مواد درسی و چگونگی امتحانات مطرح می‌شود که مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری - مؤسس حوزه قم - به آیت الله صدر می‌گویند مفهوم این طرح انحلال حوزه است و از ایشان نقل شده که یک بار که برای مشورت با حاج شیخ به سالاریه قم رفته بوده است آن قدر آن پیر مرد محترم گریسته بوده که آستین از اشک خیس شده به هر حال مرحوم آیت الله صدر نامه‌ای به شوکت الملک علم - که با او سوابقی داشته - می‌نویسد و او در فرصتی که با رضا شاه قدم می‌زده مسأله را عنوان می‌کند که معلوم می‌شود که وزیر فرهنگ این اقدام را سرخود کرده و پیام تندی به او داده می‌شود و شوکت الملک با خوشحالی حل مشکلات را به مرحوم آیت اله صدر خبر می‌دهد. دریغا که محدودیتهای گوناگون، محرومیت از خاطرات ارزشمند این بزرگان را بر نسل کنونی تحمیل می‌کند. هر خاطره‌ای که می‌شنویم از یک سو موجب خرسندی است و از دیگر سو موجب تأسف سنگین از استاد می‌پرسم که شما هیچ در جریان گل آلود شدن روابط حضرت امام (قدس) با مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قرار گرفتید. پاسخ می‌شنوم که تصادفاً در متن آن جریان بوده‌ام. با خرسندی پرسش خود را پیگیری می‌شوم و استاد سخاوتمندانه تفصیل جریان را شرح می‌دهند:

ادامه مصاحبه در شماره آینده

۱- نمی‌دانیم، شاید دادن این امتیاز به طلاب به انگیزه تضعیف حوزه بوده است و از همین جا شاید بتوان به علت بدبینی بعضی از مراجع گذشته با رفتن طلاب به دانشگاه پی برد.